



چهار فصل

• علوم و فنون ادبی موضوعی - جلد اول •

آرایی ادبی

دکتر هامون سبطی
+ با همکاری دکتر امیر محمد دهقان





خواننده گرامی برای دسترسی به تست‌ها و پاسخ‌های تحلیلی کنکورهای اخیر + «مطالب تکمیلی صوتی و تصویری»، بارکد روبه‌رو را اسکن کنید، و با وارد کردن کد خراشی که داخل جلد همین کتاب (این روبه‌رو سمت راست) به این مطالب دسترسی پیدا می‌کنید.

محتوای تکمیلی این کتاب



روزی نشست بر پاره‌سنگی
با انگشتانی گره کرده در زیر چانه‌اش
و خیره‌نگاهی تا بی‌انتهای

آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید
و هُرم قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست
و گام در راهی نهاد
بی‌انتهای

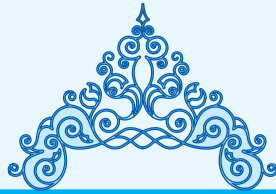
- انسان را می‌گویم -

او ناچار رفتن بود و یافتن

شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاقِ نیلی چرخ دهد.

تقدیم به شما و همه‌ی آن‌هایی که
برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.



سرشناسه: سبطی، هامون، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: چهار فصل آرایه‌های ادبی، مولف: هامون سبطی

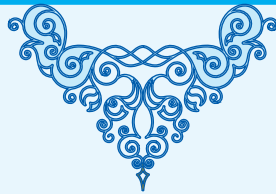
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ص:.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۶۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۴۸۷



چهار فصل آرایه‌های ادبی

مؤلفین: دکتر هامون سبطی

با همکاری دکتر امیرمحمد دهقان

مدیر تألیف: نیما جواهری

طراح جلد: ایمان خاکسار

ناظر چاپ: سعید حیدری

طراح و صفحه‌آرا: نرگس عمومتی

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۴۰۴

شمارگان: ۳۰۰۰

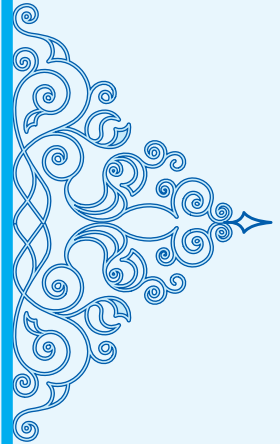
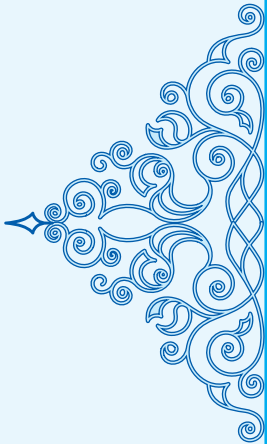
قیمت: ۴۱۳۰۰۰ تومان

ناشر: نشر دریافت

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: www.Daryaftpub.com

پست الکترونیک: daryaftpub@gmail.com



حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون اجازه‌ی ناشر پیگرد قانونی دارد.



پیشگفتار

فکر می‌کنی در کدام لحظه‌ها، آدم از همیشه عمرش سبک‌تر است و دیگر، بار هستی‌اش بر روی دوشش سنگینی نمی‌کند و این وسوسه شوم همیشه را که از زیر بارِ بودنش شانه خالی کند، به ناگاه از یاد می‌برد؟

من احساس می‌کنم، این لحظه، لحظه آفریدن است؛ وقتی که شعری می‌گویی، ترانه‌ای می‌سازی، نقشِ چهره‌ای می‌زنی که هنوز آن را کسی ندیده و نقلِ داستانی می‌کنی که هنوز کسی آن را نشنیده.

در این لحظه‌هاست که آدم از بودنش راضی می‌شود؛ می‌بیند که دیگر را کد نیست؛ جریان دارد؛ جریانِ هستی از خودت به ترانه‌ای که ساخته‌ای، چهره‌ای که پرداخته‌ای یا فرضیه‌ای که در سر داری یا اختراعی که در دست...

و از زیباترین این آفرینش‌ها شعر است. واقعاً چه لذتی باید داشته باشد، وقتی همین واژه‌های بی‌حوصله عبوس را که به زحمت حاضرند برای چند ثانیه کنار هم بیایند تا جمله‌هایی را معمولی‌تر از هر روز به زبان بیاوریم، طوری کنار هم جمع کنی که، تا دنیا دنیاست، از هم جدا نشوند؛ ترانه‌ای جاودان که همیشه می‌خواند، همچون «صدای سخن عشق» که همیشه می‌ماند:

«آن کلاغی که پرید

از فراز سر ما

و فرو رفت در اندیشه آشفته ابری ولگرد

و صدایش، همچون نیزه کوتاهی، پهنای افق را پیمود

خبر ما را با خود خواهد برد به شهر.

همه می‌دانند

همه می‌دانند

که من و تو از آن روزنه سرد عبوس

باغ را دیدیم

و از آن شاخه بازیگر دور از دست

سیب را چیدیم

همه می‌ترسند

همه می‌ترسند، اما من و تو

به چراغ و آب و آینه پیوستیم

و نترسیدیم

سخن از پیوند سست دو نام

و هماغوشی در اوراق کهنه یک دفتر نیست

سخن از گیسوی خوشبخت من است

با شقایق‌های سوخته بوسه تو ...»

«فروغ فرخزاد»

آیا به راستی، از عصیان عشق در برابر قرارهای بی‌اعتبار، تصویری زیباتر از این می‌توان آفرید؛ عصیانی که بر ما به ارث مانده است، از آن دم که «حوا» و «آدم» «از آن شاخه بازیگر دور از دست، سیب را چیدند» و «اندیشه‌های آشفته» چون «ابره‌های ولگرد» به آسمان ذهن آدمی سرک کشیدند و جار چیان زمین، طومار خطاهای ما را به منقار گرفتند و به آن سوی افق‌ها پریدند.

و ادبیات واقعی، تماشا آفرینش است. آفرینش دنیاهایی تازه با آدم‌هایی تازه؛ آدم‌هایی که هر کاری که بخواهی می‌کنند و هر طوری که بخواهی فکر می‌کنند و دست هیچ کس هم به آن‌ها نمی‌رسد، تا آن‌ها را به‌خاطر کارهایشان یا فکرهایشان، بگیرد و به چارمیخ بکشد و بکشد. اینجا دنیای خیال است و آرزو، «هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو».

هامون سبطی

پیشگفتار

این سطرها را زمانی می‌نویسم که آسمان همیشه آلوده تهران، باران بهاری کوتاهی را به خود دیده و آمیزه‌ای از بوی دود و خاک خیس از پنجره باز دفتر نشر دریافت به مشام می‌رسد.

بعد باران همیشه افسردگی برایم تداعی می‌شود. تا جایی که می‌دانم سه مرحله افسردگی داریم که در جان هر نویسنده‌ای رخنه می‌کند تا بالاخره آخرین ویرایش‌های کتابش را هم انجام دهد و منتظر بوی کاغذ کتابش بماند و کتاب‌هایش به فروش برسند. نخستین مرحله، هنگامه نوشتن است. آدم با خودش کلنجار می‌رود که خوب بنویسد و چیزی را از قلم نیندازد؛ اما چیزی شبیه واهمه همواره روح او را آزار می‌دهد. من برای مقابله با این مرحله، سعی کرده‌ام خودم را جای شما بگذارم و ببینم چه از این کتاب می‌خواهم. خوب که به نوشته‌ها نگاه می‌کنم می‌بینم اگر کنکوری بودم، دلم می‌خواست این کتاب را بعد از کنکور هم در کتابخانه‌ام نگه دارم و گاهی سری به شعرهایش بزنم. اگر برای شما نیز چنین شود، اتفاق بزرگ و حس عظیمی است و دیگر افسرده نخواهم بود.

دومین مرحله، انتظار برای تایید گرفتن از ناشر برای چاپ است. کلافه می‌شوی و هزار فکر بیهوده می‌کنی. فکر این جا را از قبل کرده بودم؛ همکار تألیف خود آقای ناشر شدم تا کتاب‌هایم توی صف تأیید نمانند. به همین سادگی!

سومین مرحله اما پس از چاپ است. کتابت اگر نفروشد و در انبارها خاک بخورد و آخر سر خمیر شود، سوهان روح است. چاره این یکی دست شماست. اگر آدم‌های بیشتری از شما این سطرها را بخوانند، ذره ذره از افسردگی من کمتر خواهد شد.

امیدوارم در جای جای این کتاب قلم را زمین بگذارید و کتاب را دست بگیرید و کاغذهایش را بو کنید و یاد من باشید. من را که یاد کردید، بدانید که این کتاب بدون حضور گرم دکتر هامون سبطی هرگز نوشته نمی‌شد، بدون صبر و حوصله و توانمندی سرکار خانم نرگس عموتقی هرگز از دست‌نوشته به چیزی آماده چاپ بدل نمی‌شد و بدون حرص و جوش خوردن‌های خیلی‌های دیگر که اسمشان را نمی‌آورم که کسی را از قلم نیندازم، هرگز از چاپخانه به دستتان نمی‌رسید.

مراقب خودتان باشید که افسرده نشوید.

مخلص - امیرمحمد دهقان

◀ مقدمه‌ای بر آرایه‌های ادبی. ۱۰

بخش اول: آرایه‌های ادبی لفظی ۱۱

◀ واج آرایبی (نغمهٔ حروف)	۱۲
تست‌های تمرینی.	۱۶
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۱۷
◀ سجع (تسجیع)	۱۸
◀ سجع در شعر پارسی	۲۰
◀ گونه‌های سجع	۲۱
تست‌های تمرینی.	۲۳
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۲۴
◀ ترصیع و موازنه	۲۶
تست‌های تمرینی.	۲۸
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۲۹
◀ جناس همسان (تام)	۳۱
◀ واژه‌های ایهام برانگیز	۳۲
◀ جناس ناهمسان (ناقص)	۳۹
تست‌های تمرینی.	۴۳
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۴۵
آزمون‌های دوره‌ای و ترکیبی ۱	۴۹
پاسخ آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱	۵۱

بخش دوم: آرایه‌های ادبی معنوی ۵۲

◀ مراعات نظیر (تناسب)	۵۳
تست‌های تمرینی.	۵۵
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۵۶
◀ تضاد (طباق)	۵۷
تست‌های تمرینی.	۵۹
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۶۰
◀ متناقض‌نما یا تناقض (پارادوکس)	۶۱
تست‌های تمرینی.	۶۵
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۶۷
آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲	۶۹
پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای ۲	۷۱
◀ لفّ و نشر	۷۳
تست‌های تمرینی.	۷۶
پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی.	۷۶

۷۸	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۳
۸۰	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۳
۸۱	تلمیح
۸۲	تلمیح‌های رایج
۸۵	تست‌های تمرینی
۸۷	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۸۹	تضمین
۹۲	تست‌های تمرینی
۹۳	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۹۵	اغراق (مبالغه، غلو)
۹۸	تست‌های تمرینی
۹۹	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۱۰۱	ایهام
۱۰۶	تست‌های تمرینی
۱۰۷	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۱۰۹	ایهام تناسب
۱۱۴	تست‌های تمرینی
۱۱۶	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۱۱۸	حسن تعلیل
۱۲۱	تست‌های تمرینی
۱۲۲	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۱۲۴	مثل، تمثیل و اسلوب معادله
۱۲۴	مثل
۱۲۴	تمثیل
۱۲۵	اسلوب معادله
۱۲۹	تست‌های تمرینی
۱۳۰	پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی
۱۳۲	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۴
۱۳۴	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۵
۱۳۶	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۶
۱۳۸	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۷
۱۴۰	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۸
۱۴۲	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۹
۱۴۴	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۴
۱۴۵	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۵
۱۴۶	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۶
۱۴۸	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۷
۱۴۹	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۸
۱۵۱	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۹

- ◀ فرایند تشبیه. ۱۵۴
- ◀ آرایه تشبیه (Simile). ۱۵۵
- ◀ تشبیه پنهان و تشبیه برتر. ۱۵۹
- ◀ اضافه‌های تشبیهی رایج. ۱۶۱
- تست‌های تمرینی. ۱۶۳
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۱۶۹
- ◀ مجاز (metonymy). ۱۷۶
- ◀ مجازهای رایج در ادبیات فارسی. ۱۷۸
- تست‌های تمرینی. ۱۸۲
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۱۸۵
- ◀ استعاره مصرحه (Metaphor). ۱۸۸
- ◀ استعاره‌های رایج. ۱۸۹
- ◀ استعاره مکنیه (نوع دوم). ۱۹۳
- ◀ اضافه استعاری. ۱۹۵
- ◀ تفاوت اضافه استعاری و اضافه تشبیهی. ۱۹۶
- ◀ تفاوت اضافه استعاری و اضافه اقترانی. ۱۹۸
- تست‌های تمرینی. ۲۰۰
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۲۰۴
- ◀ کنایه (Kenning). ۲۰۹
- ◀ تفاوت مجاز و کنایه. ۲۱۲
- تست‌های تمرینی. ۲۱۵
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۲۱۶
- ◀ تشخیص (آدم‌نمایی، Personification). ۲۱۹
- تست‌های تمرینی. ۲۲۲
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۲۲۳
- ◀ حس آمیزی (synaesthesia). ۲۲۵
- تست‌های تمرینی. ۲۲۸
- پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی. ۲۲۹
- ◀ ایستگاه دوره‌ای. ۲۳۱
- ◀ الگوهای طرح تست. ۲۳۱
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۰ (ساده). ۲۳۷
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۱ (ساده). ۲۳۹
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۲ (متوسط). ۲۴۱
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۳ (متوسط). ۲۴۳
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۴ (متوسط). ۲۴۵
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۵ (متوسط). ۲۴۷
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۶ (متوسط). ۲۴۹
- آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۷ (متوسط). ۲۵۱

۲۵۳	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۸ (متوسط)
۲۵۵	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۹ (دشوار)
۲۵۷	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۰ (دشوار)
۲۵۹	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۱ (دشوار)
۲۶۱	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۲ (دشوار)
۲۶۳	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۳ (دشوار)
۲۶۵	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۴ (دشوار)
۲۶۷	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۵ (دشوار)
۲۶۹	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۶ (دشوار)
۲۷۱	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۷ (دشوار)
۲۷۳	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۸ (دشوار)
۲۷۵	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۹ (دشوار)
۲۷۷	آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۳۰ (دشوار)
۲۷۹	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۰
۲۷۹	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۱
۲۸۱	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۲
۲۸۲	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۳
۲۸۴	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۴
۲۸۵	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۵
۲۸۷	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۶
۲۸۹	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۷
۲۹۰	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۸
۲۹۲	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۹
۲۹۳	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۰
۲۹۴	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۱
۲۹۶	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۲
۲۹۷	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۳
۲۹۸	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۴
۳۰۰	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۵
۳۰۲	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۶
۳۰۴	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۷
۳۰۵	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۸
۳۰۶	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۲۹
۳۰۷	پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۳۰
۳۱۰	سوالات کنکور انسانی داخل تیر ۱۴۰۱
۳۱۲	سوالات کنکور انسانی خارج از کشور تیر ۱۴۰۱
۳۱۳	سوالات کنکور انسانی دی ۱۴۰۱
۳۱۵	پاسخ‌نامه سؤالات انسانی داخل تیر ۱۴۰۱
۳۱۶	پاسخ‌نامه سؤالات کنکور انسانی خارج از کشور تیر ۱۴۰۱
۳۱۷	پاسخ‌نامه سؤالات کنکور انسانی دی ۱۴۰۱

راهنماك درس به درس

شماره درس	آرایهٔ مربوط	شماره صفحه
علوم و فنون دهم	درس سوم	واج آرایي ۱۲
		واژه آرایي (تكرار) ۳۱
	درس ششم	سجع و انواع آن ۱۸
	درس نهم	موازنه و ترصیع ۲۶
	درس دوازدهم	جناس و انواع آن ۳۹ و ۳۱
علوم و فنون یازدهم	درس سوم	تشبيه ۱۵۵
	درس ششم	مجاز ۱۷۶
	درس نهم	استعاره ۱۸۸
	درس دوازدهم	كنایه ۲۰۹
علوم و فنون دوازدهم	درس سوم	مراعات نظیر ۵۳
		تلمیح ۸۱
		تضمین ۸۹
	درس ششم	لف و نشر ۷۳
		تضاد ۵۷
		متناقض‌نما ۶۱
	درس نهم	اغراق ۹۵
		ایهام ۱۰۱
		ایهام تناسب ۱۰۹
	درس دوازدهم	حسن تعلیل ۱۱۸
		حسن آمیزی ۲۲۵
		اسلوب معادله ۱۲۴



مقدمه‌ای بر آرایه‌های ادبی

تعریف آرایه‌های ادبی: به هماهنگی‌هایی آوایی یا معنایی گفته می‌شود که رعایت آن‌ها در ادبیات بر زیبایی و جنبه هنری اثر می‌افزاید. برای درک بهتر تعریف بالا به دو نمونه زیر توجه کنید.

نمونه نخست:

■ «هر گوشه یکی مستی دستی زده بر دستی / وان ساقی هر هستی با ساغر شاهانه» «مولانا»

در این بیت تناسب آوایی (لفظی) میان سه واژه «مستی»، «دستی» و «هستی» طنین موسیقایی زیبایی را پدید آورده است؛ همچنین تکرار پی‌درپی واج /س/ در طول بیت، بر موسیقی درونی و خوش‌نوازی آن افزوده است.

نمونه دوم:

■ «دلِ همچو سنگت ای دوست به آبِ چشم سعدی / عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی» «سعدی»

تشبیه دل به سنگ، که کنایه از بی‌رحمی است، نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در گفتارهای عادی فارسی‌زبانان نیز کاربرد دارد و نمی‌توان چنین تشبیهی را نشانه نوآوری و آفرینش هنری شاعر دانست؛ اما هنگامی که شاعر از بسیاری آب چشمش (اشک چشمانش) سخن به میان می‌آورد و آن را به حدی توصیف می‌کند که می‌توان سنگ آسیابی را با آن به گردش درآورد، تشبیه دل معشوق به سنگی که حتی با وجود این همه اشک نمی‌چرخد و تغییر نمی‌کند، تناسب «معنایی» بسیار زیبا و دلنشینی میان «سنگ»، «آب» و «آسیاب» پدید می‌آورد که نشانه نبوغ و توان بالای هنری شاعر است.

هم‌چنین در این بیت، همسانی لفظی میان «نگردد» و «بگردد» که هر یک در معنایی جداگانه به کار رفته‌اند (نگردد: تغییر نکند و نرم نشود // بگردد: بچرخد) بر روابط معنایی و آوایی این بیت افزوده است.

به آن دسته از آرایه‌های ادبی که از تناسب‌های آوایی (لفظی) میان واژه‌ها پدید می‌آیند، آرایه‌های ادبی لفظی (صنایع بدیعی لفظی) و به دسته دوم که بر پایه تناسب‌های معنایی واژه‌ها شکل می‌گیرند، آرایه‌های ادبی معنوی (صنایع بدیعی معنوی) گفته می‌شود.

درس ۸: لف و نشر

لف و نشر

هرگاه دو یا چند جزء از کلام در پی هم بیایند (لف‌ها) و توضیحات مربوط به هر یک از آن‌ها (به همان تعداد) در پی آن‌ها آورده شود (نشرها) آرایهٔ لف و نشر شکل می‌گیرد.

مثال «رنگ معشوقان و رنگ عاشقان / جمله همچون سیم و زر آمیختند»

← سیم (نقره) مربوط به رنگ چهرهٔ معشوقان است و زر مربوط به رنگ رخسارهٔ عاشقان زردروی.

مثال «ای نور چشم مستان، در عین انتظارم / چنگی حزین و جامی بنواز یا بگردان»

← «بنواز»، مربوط به «چنگ» است (چنگی حزین بنواز) و «بگردان» مربوط به جام (جامی بگردان).

مثال «افروختن و سوختن و جامه دریدن / پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت»

← در این مثال، شاعر هنگام آوردن توضیحات (نشرها) ترتیب را رعایت نکرده است و تشخیص این نکته با توجه به معنا بسیار ساده است. (پروانه ز من سوختن را، شمع ز من افروختن را و گل ز من جامه دریدن را آموخت.)

اگر نشرها، به همان ترتیب که لف‌ها در پی هم آمده‌اند، بیایند لف و نشر، مرتب خوانده می‌شود و در غیر این صورت نامرتب (مشوش) خواهد بود.

تست آموزشی: در کدام بیت آرایه «لف و نشر» دیده نمی‌شود؟

- ۱) مَهیا کنِ روزی مار و مور / اگر چند بی‌دست و پایند و زور
- ۲) کنون چو غنچه و گل هر کجا که زنده دلیست / به زیر سایهٔ سرو و چنار می‌آید
- ۳) اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت / کشیدم از تو کشیدم، شنیدم از تو شنیدم
- ۴) گر ندیدی قبض و بسط عشق را / گریهٔ مینا نگر خندیدن ساغر ببین

پاسخ تحلیلی:

گزینه «۱»: «مار» بی‌دست و پاست. «مور» بی‌زور است (اما دست و پا دارد!)

گزینه «۲»: به زیر سایهٔ سرو و چنار رویدن مربوط به گل و غنچه است و فرقی میان این دو نیست، پس لف و نشری در کار نیست.

گزینه «۳»: اگر ز خلق ملامت شنیدم از تو (به خاطر تو) شنیدم و اگر ز کرده ندامت کشیدم، از تو (به خاطر تو) کشیدم (لف و نشر مشوش)

گزینه «۴»: قبض و گرفتگی عشق به گریه مربوط است و بسط و گشادگی عشق به خندیدن «مینا» در این جا از شیشه و بطری شراب است که صدای بیرون آمدن شراب از آن مانند هق‌هق گریه است. رقص نور بر سطح ساغر پر از شراب مانند خنده‌ای در دهانی گشاده است.)

تست آموزشی: در کدام گزینه لف و نشر به شکل متفاوتی دیده می‌شود؟

- ۱) باد باد آن که به روی تو نظر بود مرا / رخ و زلفت عوض شام و سحر بود مرا
- ۲) روزی که گونه و لب یاران هم‌نبرد / رنگ نشاط و خندهٔ گم گشته بازیافت
- ۳) وقتی کمند زلفت، دیگر کمان ابرو / این می‌کشد به زورم آن می‌کشد به زاری
- ۴) صبح دمی چو از رخت برفکنی کلاله را / چشم و رخت خجل کند نرگس مست و لاله را (گلّاله: کاکل)



پاسخ تحلیلی: گزینه نخست: رُخت، عوض سحر و زلفت، عوض شام (شبنم) بود (لف و نشر نامرتب است).
گزینه دوم: روزی که گونه یاران هم نبرد رنگ نشاط بازیافت و لب یاران هم نبرد خنده گم گشته را (لف و نشر مرتب آمده است).
گزینه سوم: وقتی (گاهی) کمند زلفت به زور می کشد مرا و دیگر (زمانی دیگر) کمان ابرویت به زاری می کشد مرا (لف و نشر مرتب است).
گزینه چهارم: چشم (در درشتی و زیبایی) نرگس مست را خجل می کند و رخت (در سرخی و شادابی) لاله را خجل می کند (لف و نشر مرتب است) گزینه نخست

تست آموزشی: با توجه به آرایه «لف و نشر» واژه‌های کدام گزینه با حفظ ترتیب برای پر کردن جای خالی این بیت

مناسب است؟

«باز کش یک عدم عنان ای ترک شهر آشوب من / تا ز اشک و چهره راحت کنم»

(۱) پر دُر و گوهر (۲) پر گل و گوهر

(۳) پر زر و گوهر (۴) پر گل و پر زر

پاسخ تحلیلی:

عاشق با اشکهایش زیر پای یار را پر از گوهر می کند و با ساییدن چهره زردش بر خاک راه، آن را زرد رنگ و پُر زر می کند. (گزینه سوم)

تست آموزشی: در همه گزینه‌های زیر به جز میان لف‌ها و نشرها، تشبیه و همانندی برقرار است.

(۱) سفر ز کوی تو «ابن یمین» چگونه کند / که باشد از رخ و زلف تو ماه در عقرب

(۲) کسی که نقش رخ و زلف توست در دل او / موحدی است که در سینه کفر و دین دارد

(۳) ابرو بنما و رخ که بینند / در خیمه آفتاب ماهی

(۴) فرو شد به ماهی و بر شد به ماه / بن نیزه و قبه بارگاه

پاسخ تحلیلی: گزینه «۱»: وقتی زلف سر کج تو بر چهره روشن می افتد، انگار در آسمان، صورت فلکی عقرب (کزدم) با ماه قرین می شود، که نشانه شومی است و در زمان «قمر در عقرب» بهتر است دست به کاری نزد و سفر نکرد. (می گوید این تویی که نمی گذاری من از پیشست بروم، چون همیشه ایام را با آن زلف و رخت، قمر در عقرب می داری!) رخ و زلف (لف‌ها) به ماه و عقرب (نشرها) مانند شده اند.

گزینه «۲»: می گوید «رُخ» تو مانند «دین» روشن است و «زلف» تو همانند «کفر» سیاه و تیره

گزینه «۳»: ابروی تو مانند ماهی (هلال ماهی) است که بر خورشید (رخ) توجوه گری می کند.

گزینه «۴»: میان لف‌ها (فرو شد و بر شد) با نشرها (بن نیزه و قبه بارگاه) هیچ شباهتی برقرار نیست. (پاسخ تست)

تست تمرینی: در همه گزینه‌ها به جز ، لف‌ها و نشرها در یک مصراع گنجانده شده است.

(۱) عشق را روز قیامت آتش و دودی بود / نور آن آتش تو باشی، دود آن آتش من

(۲) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی ست / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

(۳) نه پادشه منادی زده است می مخورید / بیا که چشم و دهان تو مست و میگون

(۴) دل و کشورت جمع و معمور باد / از مُلکت پراکندگی دور باد

پاسخ تشریحی:

گزینه «۱»: لف و نشر ندارد.

گزینه «۲»: لف و نشر در مصراع نخست برقرار است: جیب من از مال و جام من از می تهی است.

گزینه «۳»: لف و نشر در مصراع دوم برقرار است: چشم تو مست و دهان تو میگون است.^۱

گزینه «۴»: لف و نشر در مصراع دوم برقرار است: دلت جمع (آسوده) و کشورت معمور (آباد) باد.

۱. البته این مستی چشمانت و رنگِ شرابی دهانت، کار خداست، اما مأموران پادشاه که ذوق و تشخیص ندارند، تو را به جرم می خوارگی دستگیر می کنند! پس بیا در کنار من و در امان بمان از جور سلطان ستمگر.



گاهی لف و نشر از حد یک بیت می‌گذرد و در دو یا سه بیت برقرار می‌شود. به این نمونه برجسته از خلق آرایه لف و نشر دقت کنید و سعی کنید به عنوان تمرین بدون استفاده از توضیحات داخل پرانتز، ارتباط میان لف‌ها و نشرها را پیدا کنید، تا زیبایی این روش گفتاری بر شما روشن شود و دریابید که بی‌جهت آن را جزء آرایش‌های ادبی به‌شمار نمی‌آورند:

مثال «به روز نبرد آن یل ارجمند / به شمشیر و خنجر به گرز و کمند

برید و درید و شکست و بیست / یلان را سر و سینه و پا و دست»

← به روز نبرد آن یل ارجمند به شمشیر سر یلان را برید؛ به خنجر سینه یلان را درید؛ به گرز پای یلان را شکست و به کمند دست یلان را بست. (همه لف و نشرها از نوع مرتب هستند.)

تست آموزشی: میان اجزای «دو بیت» در کدام گزینه لف و نشر برقرار نیست؟



- ۱) به رزم و بزم چو برخیزد / چو بنشیند / به یمن طالع و تدبیر پیر و بخت جوان
به یک شکوه بگیرد به یک زمان بدهد / از این کنار جهان تا بدان کنار جهان
- ۲) ز خشم و قوتش جایی که اندیشد دل بخرد / از جود و همتش جایی که اندیشد دل دانا
نه آتش را بود گرمی نه آهن را بود قوت / نه دریا را بود رادی نه گردون را بود بالا
- ۳) زمین از سرشک ابر، هوا از نسیم گل / درخت از جمال برگ، سر که ز لاله‌زار
یکی چون پرند سبز، یکی چون عبیر خوش / یکی چون عروس خوب، یکی چون رُخان یار
- ۴) به زلف و عارض ساج سیاه و عاج سپید / به روی و بالا ماه تمام و سرو روان
به بر پرند و پرندش چو یاسمین سپید / به رخ بهار و بهارش چو روضه رضوان

پاسخ تشریحی:

گزینه «۱»: به رزم با یک شکوه از این کران تا آن کران جهان را بگیرد و به بزم (در جشن‌ها) از این کران تا آن کران جهان (همه جهان) را بدهد (می‌بخشد).

گزینه «۲»: ز خشمش آتش را گرمی نبود (خشمش از آتش گدازان‌تر است). از قوتش آهن را قوت نبود. از جودش (از بخشندگی‌اش) دریا رادی (بخشندگی) ندارد و از همتش گردون، بالا (بلندی و اوجی) ندارد. (از آسمان بلند همت‌تر است.)

گزینه «۳»: زمین از سرشک ابر (قطره‌های باران) همچون پرند سبز و هوا از نسیم گل (بوی خوش گل) همچون عبیر خوش و درخت از جمال برگ، همچون عروس خوب (زیبا) و سر کوه از لاله‌زار همچون رُخان یار (گونه‌های سرخ یار) است.

گزینه «۴»: برخلاف سه گزینه دیگر، کل لف و نشر میان اجزای مصرع‌های بیت اول برقرار است: به زلف مانند ساج سیاه و به عارض مانند عاج سفید است. به روی (چهره) مانند ماه و به بالا (قد) مانند سرو است. (گزینه چهارم)



تست‌های تمرینی

۱ در کدام بیت لف و نشر برقرار است؟

- ۱) گر چه افروختم و سوختم و دود شدم / شکوه از دست تو هرگز به زبانم نرسد
- ۲) از شمع سه گونه کار آموزم / می‌گیرم و می‌گذازم و می‌سوزم
- ۳) چون در سه عضو تو نفع دو عالم است پدید / ز دوستان دل و دست و زبان دریغ مدار
- ۴) آب چشم و رنگ روی ما ندارد قیمتی / ز آن که نبود گوهر اندر بحر و زر در کان عزیز

۲ در کدام گزینه لف و نشر برقرار نیست؟

- ۱) به یاد زلف و بناگوش او دلم تا چند / شب دراز بنالد، سحر دعا بکند
- ۲) گویی اثر مهر تو و کین تو دارند / رضوان به بهشت اندر و مالک به جهنم
- ۳) یا چهره بپوش یا بسوزان / بر روی چو آتشت سپندی
- ۴) از گنج با سعادت تو بدسگال را / از اشک و روی گوهر و زر عیار باد

۳ در کدام گزینه لف و نشر مشوش برقرار نیست؟

- ۱) کلک تو خوش نویسد در شأن یار و اغیار / تعویذ (دعای) جان‌فزایی افسون عمر کاهی
- ۲) بازکش یک دم عنان ای تُرک شهر آشوب من / تا ز اشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم
- ۳) مشو فریفته زلف و خال شاهدِ دهر / که جَست طایر زیرک ز دام و دانه او
- ۴) تُرکم چو قصد خون دل عاشقان کند / ز ابرو و غمزه دست به تیر و کمان کند

۴ در کدام گزینه «لف و نشر» دیده نمی‌شود؟

- ۱) هزاران چشم گویا و لب خاموش / مرا پیک امید خویش می‌داند
- ۲) هزاران دست لرزان و دل پر جوش / گهی می‌گیرم گه پیش می‌راند
- ۳) مگر مهر و طوفان و آب ای خدا / دگر نیست در پنجه پیر تو / که گویی بسوز و بروب و برآی
- ۴) بیا بنگر چه غمگین و غریبانه / در این ایوان سر پوشیده وین تالاب مالا مال / دلی خوش کرده‌ام با این پرستوها و ماهی‌ها

۵ در کدام گزینه لف و نشر بر پایه تشبیه است؟

- ۱) بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس / حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را
- ۲) یا چهره بپوش یا بسوزان / بر روی چو آتشت سپندی
- ۳) کنون چو غنچه و گل هر کجا که زنده‌دلی‌ست / به زیر سایه سرو و چنار می‌آید
- ۴) سبکی نیم سرخ و نیم زرد / از گل و زعفران حکایت کرد

پاسخ تشریحی تست‌های تمرینی

۱ ۴ با توجه به درسی که با هم خواندیم، شرط‌های برقراری لف و نشر، آشکارا در بیت‌های ۱، ۲ و ۳ برقرار نیست. اما در گزینه چهارم آب چشم (قطره‌های اشک) به گوهر مانند شده است و روی عاشق به زر.

۲ ۳

گزینه ۱: «شب» یادآور «زلف یار» است و «سحر» یادآور «بناگوش سیمین و سپید» او.
گزینه ۲: مهر مربوط به رضوان (دربان بهشت) است و کین مربوط به مالک (دربان جهنم).



گزینۀ «۳»: یا چهره‌ات را بپوشان یا بر روی چو آتشت سپندی بسوزان (لف و نشری در کار نیست).
گزینۀ «۴»: از «اشک»، گوهر نصیب بدسگال می‌شود و از «روی» زر. (زیرا چهرۀ بدسگال و بدخواه او، مانند زر زرد است و بیمار.)

۳ ۱

گزینۀ «۱»: تعویذ جان‌افزا مربوط به یار است. افسون عمرکاه مربوط به اغیار و بیگانگان است.
گزینۀ «۲»: «اشک» به «گوهر» مربوط است و «چهره» به «زر».
گزینۀ «۳»: «حلقۀ زلف» به «دام» مانند شده و «خال» به «دانه‌دام».
گزینۀ «۴»: «ابرو» به «کمان» مانند شده و غمزه (ناز و کرشمه) به «تیر»

۴ ۱

گزینۀ «۲»: دست لرزان می‌گیردم // دل پر جوش پیش می‌راندم
گزینۀ «۳»: مهر بسوز // طوفان بروب // آب برآی
گزینۀ «۴»: پرستوها در ایوان سرپوشیده // ماهی‌ها در تالاب مالا مال

۵ ۴

گزینۀ «۱»: لَفّ و نشر دارد اما تشبیه ندارد.
گزینۀ «۲»: تشبیه دارد اما لَفّ و نشر ندارد.
گزینۀ «۳»: تشبیه دارد اما لَفّ و نشر برقرار نیست.
گزینۀ «۴»: نیمۀ سرخ سیب مانند گل (گل سرخ) بود و نیمۀ زرد سیب مانند زعفران بود: مشبه‌ها لَفّ را تشکیل داده‌اند و مشبه‌به‌ها نشرها را ← لَفّ و نشر بر پایه تشبیه است.



آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۹ (دشوار)

۱ ترتیب درست ابیات زیر از نظر داشتن آرایه‌های «ایهام، تلمیح، جناس، حس تعلیل، کنایه» در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) من آن حسن غریبم کاروان آفرینش را / که جای سیلی اخوان بود نیل بناگوشم
(ب) من که باشم کز چو من بی‌قدر یادآورده‌ای / نامه از ننگ همین معنی به خود پیچیده است
(ج) بال پرواز فلک داری و قانع شده‌ای / که به بزمی که روی جای به بالا گیری
(د) ای دل دویدن از پی آن بی‌وفا بس است / گر تو هنوز سیر نگشتی مرا بس است
(هـ) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز / باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند
- (۱) الف، ب، ج، هـ د (۲) هـ، الف، ب، د، ج
(۳) هـ، الف، ج، ب، د (۴) الف، ب، هـ، د، ج

۲ در بیت: «وگر گوید نهم رخ بر رخ ماه / بگو با رخ برابر چون شود شاه» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

- (۱) کنایه، جناس تام، ایهام، استعاره
(۲) اسلوب معادله، جناس ناقص، مراعات نظیر، استعاره
(۳) تشبیه، جناس تام، مراعات نظیر، ایهام تناسب
(۴) کنایه، جناس ناقص، ایهام، اسلوب معادله

۳ آرایه‌های بیت «خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای / دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی» در کدام گزینه

- تماماً درست است؟
(۱) استعاره، جناس، کنایه، پارادوکس
(۲) استعاره، تضاد، تشبیه، مراعات نظیر
(۳) تشبیه، جناس، تشخیص، مجاز
(۴) تضاد، مراعات نظیر، حسن تعلیل، مجاز

۴ در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، تشخیص، تشبیه و حسن آمیزی» وجود دارد؟

- (۱) نسیم نالمیدی بد ورق گرداندنی دارد / در ایام برومندی درِ بستان‌سرا بگشا
(۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی / میان خویش را چون موج در بحر بلا بگشا
(۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید / که ساحل چون شود نزدیک بازوی شنا بگشا
(۴) سزای توست چون گل گریه تلخ پشیمانی / که گفت ای غنچه غافل، دهن پیش صبا بگشا

۵ آرایه‌های بیت «مشو غمگین در میخانه را گر محتسب گل زد / که جوش گل شراب لعل فام آورد مستان را»، کدامند؟

- (۱) کنایه، جناس، استعاره، تشبیه
(۲) تشبیه، استعاره، مجاز، جناس تام
(۳) کنایه، مجاز، حسن تعلیل، جناس تام
(۴) تشبیه، مراعات نظیر، جناس، اسلوب معادله

۶ آرایه‌های موجود در بیت: «کدام زهره جبین بی‌نقاب گردیده است / که آتش از عرق شرم، آب گردیده است»،

- در کدام گزینه، ذکر شده است؟
(۱) تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره
(۲) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام
(۳) کنایه، تضاد، استعاره، ایهام تناسب
(۴) کنایه، استعاره، مراعات نظیر، ایهام تناسب

۷ آرایه‌های بیت: «ای صبر تویی دانه، پروانه کار دل / دل شیفته پروانه است، از نار ننگه دارش» کدام‌اند؟

- (۱) کنایه، جناس ناقص، حسن تعلیل، مجاز
(۲) استعاره، تشبیه، ایهام تناسب، جناس ناقص
(۳) تشبیه، جناس تام، حسن تعلیل، استعاره
(۴) مجاز، کنایه، ایهام تناسب، جناس تام



(هنر ۹۴)

۸ آرایه‌های مجاز، ایهام، کنایه، تشبیه و تلمیح به ترتیب در کدام ابیات، یافت می‌شود؟

- (الف) اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود / خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
 (ب) کسی که نقد خرد داد و ملک عشق خرید / اگر ز سود و زیان بگذرد زیان نکند
 (ج) چو خامه هر که حدیث دل برآورد به زبان / طمع مدار که سر بر سر زبان نکند
 (د) طالب لعل توام کان که به ظلمات افتاد / طلب چشمه حیوان نکند چون نکند؟
 (ه) هر که زین رهگذرش پای فرو رفت به گِل / میل آن سرو خرامان نکند چون نکند؟

- (۱) الف، ب، ه، ج، د (۲) ب، الف، ه، ج، د
 (۳) ج، الف، ه، ب، د (۴) ج، د، الف، ب، ه

(تجربی ۹۵)

۹ کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟

«ماه و پروین از خجالت رخ فرو پوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

- (۱) تضاد - کنایه - تشبیه - استعاره (۲) استعاره - تضاد - حسن تعلیل - تشبیه
 (۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه (۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

(تجربی ۹۵)

۱۰ آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق» به ترتیب، در کدام ادبیات آمده است؟

- (الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار / مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
 (ب) یارب به وقت گل گنه بنده عفو کن / وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش
 (ج) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید / گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را
 (د) ز تاب آتش سودای عشقش / بسان دیگ دائم می زند جوش
 (ه) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم / وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل

- (۱) د، ج، ب، ه، الف (۲) د، ب، ج، الف، ه
 (۳) ه، ب، الف، ج، د (۴) ب، ج، الف، د، ه



آزمون دوره ای و ترکیبی ۲۰ (دشوار)

۱ «مشبه» تشبیه ها در کدام گزینه درست مشخص شده است؟

- ۱) چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او / سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد (نقش)
- ۲) چون بتابد آفتاب معرفت / از سپهر این ره عالی صفت (آفتاب)
- ۳) گه به دهان بر زده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف (کف)
- ۴) یکی تیر الماس پیکان چو آب / نهاده بر او چار پر عقاب (تیر)

۲ درباره این متن ادبی کدام گفته درست نیست؟

- «رأی بی قوت مکر و افسون است و قوت بی رأی، جهل و جنون.
تمیز باید و تدبیر و عقل و آنکه ملک / که ملک و دولت نادان سالح جنگ خداست»
- ۱) «ملک» و «ملک» جناس ندارند.
 - ۲) هم سجع متوازن در عبارت وجود دارد هم سجع متوازی.
 - ۳) «نادان» صفت جانشین اسم است.
 - ۴) «جنگ خدا» یعنی «جنگ با خدا»

۳ در همه گزینه ها «ایهام» یافت می شود به جز گزینه

- ۱) با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب شرب مدام است
- ۲) نرگس مست نوازش کن مردم دارش / خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد
- ۳) پروانه او گر رسدم در طلب جان / چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم
- ۴) اگر سُنّت اوست نوآوری / نگاهی هم از نو به سُنّت کنیم

۴ آرایه های «اسلوب معادله، حسن تعلیل، استعاره مصرحه و ایهام تناسب» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف: به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید / که می رویم به داغ بلند بالایی
ب: خار ار چه جان بکاهد گل عذر آن بخواهد / سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی
ج: شاها ادبی کن فلک بدخو را / کاسیب رسانید رخ نیکو را
د: ما یوسف خود نمی فروشیم / تو قلب سیاه خود نگه دار

- ۱) ب - الف - د - ج
- ۲) ج - د - الف - ب
- ۳) ب - ج - د - الف
- ۴) ج - ب - الف - د

۵ در کدام بیت، هر سه آرایه «تشبیه، جناس و ایهام تناسب» به کار رفته است؟

- ۱) به بوی زلف تو مرغ دل از قفس بپرید / هوای کوی تو بگزید و گشت پروانه
- ۲) ز سر برون نکنم شور لعل شیرینیت / گرم بر آتش سوزان چو شمع بگذاری
- ۳) وصال ما و شما دیر متفق گردد / که من اسیر نیازم تو صاحب نازی
- ۴) من از فراق تو بیچاره سیل می رانم / مثال ابر بهار و تو خیل می نازی

(ریاضی - ۱۴۰۰)

۶ در کدام بیت، دو تشبیه و بیشترین استعاره به کار رفته است؟

- ۱) شیر در بادیۀ عشق تو روباه شود / آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست
- ۲) یا رب آن شاهوش ماهرخ زهره جبین / در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟
- ۳) واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
- ۴) خون شد دلم به یاد تو، هر که در چمن / بند قبای غنچه گل می گشاد باد



(تجربی - ۱۴۰۰)

۷ آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟

«تُرک آهو چشمم ای آهو ی چشمت شیرگیر / صید آهو ی توام بر صید خویش آهو مگیر»

- (۱) استعاره، اغراق، کنایه، ایهام
(۲) استعاره، تشبیه، جناس تام، کنایه
(۳) جناس ناقص، تشبیه، استعاره، مجاز
(۴) تشبیه، جناس ناقص، اغراق، ایهام

۸ همهٔ گزینه‌ها دارای سجع هستند، به جز گزینهٔ

- (۱) تا جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند
(۲) پسرش خمر خورده است و عربده کرده است.
(۳) قاضی چون سخن بدین غایت رسانید وز حد قیاس ما اسب مبالغه در گذرانید.
(۴) چنان شنیدم که پارسا زادهای را نعمت بیکران از ترکهٔ عمان به دست افتاد.

۹ تعداد تشبیهات کدام گزینه بیشتر است؟

- (۱) چون صبا گفتهٔ حافظ بشنید از بلبل / عنبر افشان به تماشای ریاحین آمد
(۲) مرکب سودا جهانیدن چه سود / چون زمام اختیار از دست رفت
(۳) اندیشه از محیط فنا نیست هر که را / بر نقطهٔ دهان تو باشد مدار عمر
(۴) عشق دردانه است و من غواص و دریا میکده / سر فرو بردم در آنجا تا کجا سر بر کنم

۱۰ آرایه‌های مقابل در کدام گزینه درست نوشته شده است؟

- (۱) آن را که بصارت نبود یوسف صدیق / جایی بفروشد که خریدار نباشد (مجاز - حسن تعلیل)
(۲) به چند حيله شبی در فراق روز کنم / وگر نبیمنت، آن روز هم به شب ماند (تضاد - تشبیه)
(۳) ماه است رویت یا ملک، قند است لعلت یا نمک / بنمای پیکر تا فلک مهر از دو پیکر برگند (تشبیه - اسلوب معادله)
(۴) جز فلاطون خم‌نشین شراب / سر حکمت به ما که گوید باز (تلمیح - ایهام)

۱	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴



پاسخ تشریحی آزمون دوره‌ای و ترکیبی ۱۹

۱ ۳ بیت الف: ترکیب سیلی اخوان (آزار برادران) یادآور داستان حضرت یوسف و برادران است ← تلمیح (شاعر می‌گوید آرایش چهره من از کبودی سیلی برادرانم حاصل شده‌است).

بیت ب: شاعر برای لوله شدن و پیچیدن طومار به دور خودش، دلیلی غیر واقعی اما شاعرانه آورده‌است: می‌گوید چون از روی نام مرا در این نامه آورده‌ای نامه شرمسار شده و به خود پیچیده است ← حسن تعلیل

بیت ج: «بال - بالا» ← جناس ناقص

معنای بیت: می‌توانی در میان فرشتگان پرواز کنی اما به این که بین آدمیان در صدر مجلس بنشینی، راضی شده‌ای.

بیت د: «دویدن از پی کسی» نشانه و کنایه از عاشق کسی بودن است. «سیر گشتن» کنایه از منصرف و خسته شدن از کاری است.

بیت ه: «قلب» ایهام دارد: ۱. سکه قلبی و غیر اصل ۲. دل

۲ ۱

معنای بیت: اگر شاه (خسرو پرویز) بگوید که می‌خواهم چهره‌ام را بر چهره ماه (شیرین) بگذارم، به او بگو که چون (چگونه) می‌تواند شاه با رخ رو در رو شود زیرا در این صورت مات می‌شود و در این‌جا نظامی به بازی شطرنج اشاره دارد.

کنایه: «رخ بر رخ نهادن» نشانه و کنایه از به وصال رسیدن است. «برابر شدن» نشانه و کنایه از مقابله نمودن است.

جناس تام: «رخ» در مصراع دوم به معنای مهره رخ در بازی شطرنج آمده‌است. برخلاف «رخ» در مصراع نخست که در هر دو مورد معنای «چهره» دارد.

ایهام: منظور «رخ» در مصراع دوم علاوه بر مهره شطرنج می‌تواند «رخ معشوق» هم باشد. منظور «شاه» نیز می‌تواند خود شاه (خسرو پرویز) یا مهره شاه در بازی شطرنج باشد.

استعاره: «ماه» استعاره از معشوق (شیرین ارمنی) است.

۳ ۱ «و» در مصراع نخست به معنای «درحالی‌که» است.

استعاره: تارک (فرق سر) هفت اختر، اضافه استعاری است.

جناس: سر - بر

کنایه: «خشت زیر سر داشتن» نشانه و کنایه از فقر مطلق است. «پای بر تارک ستارگان داشتن» نشانه و کنایه از اوج مقام و منزلت است.

پارادوکس (متناقض‌نما): این که افرادی (عارفان) در عین فقر و بدبختی مطلق، صاحب جاه و مقام و منزلت باشند، متناقض‌نما است.

۴ ۴ (با توجه به «حس آمیزی» به سادگی می‌شد به گزینه ۴ رسید).

«گل»، «غنچه» و «صبا» تشخیص دارند و هر تشخیص نوعی استعاره از نوع پوشیده یا مکنیه است. مخاطب به «گل» مانند شده‌است. «گریه تلخ» حس آمیزی دارد: زیرا تلخی مربوط به حس چشایی است، اما گریه چشیدنی نیست.

۵ ۱ (نبود اسلوب معادله و جناس تام سایر گزینه‌ها را رد می‌کند).

کنایه: گلی زدن در جایی کنایه از بستن آن است. // «گل - گل» جناس دارند. // «جوش گل» اضافه استعاری است. // شراب در **رنگ** به لعل مانند شده‌است.

۶ ۳ معنای بیت: کدام زیبارویی که پیشانی‌اش به درخشندگی ناهید است، نقاب از چهره برافکنده است که آتش از شرم

چهره او آب شده‌است (از این که به درخشش خود می‌نازید!) ← جبین و پیشانی یار به ناهید (زهره) مانند شده‌است و هم‌چنین به آتش و از آن همه درخشان‌تر (تشبیه تقضیلی) // آتش، عرق شرم کرده‌است ← تشخیص و استعاره مکنیه // «آب شدن» نشانه و کنایه از خجالت

کشیدن است اما به دلیل وجود «آتش» معنای دیگر آن (به آب تبدیل شدن) نیز به ذهن خطور می‌کند. همچنین «آب» به معنای آبرو و اعتبار هم به ذهن خطور می‌کند اما قابل جاگذاری در بیت نیست ← ایهام تناسب



۷ ۲ بیت حسن تعلیل ندارد **۵۵** - گزینه های ۱ و ۳ رد می شود **۴** - «ای صبر» تشخیص و استعاره دارد // «پروانه» در مصراع نخست به معنای «اجازه» آمده است اما به دلیل وجود نار (آتش) در مصراع دوم، معنای معمول آن نیز به ذهن می آید و ایهام تناسب دارد. «پروانه» در مصراع اول و پروانه در مصراع دوم، جناس تام دارند. // «کار - نار» جناس ناهمسان دارند.

۸ ۳ فقط در بیت «د» تلمیح (داستان جست و جوی چشمه آب زندگی توسط خضر نبی و رسیدن به آن در دل **ظلمات**) دیده می شود **۴** - گزینه ۴ رد می شود.

ایهام **«مدام»** (۱. پیوسته ۲. شراب) در بیت الف آشکار و آشنا است **۴** - گزینه ۱ رد می شود.
در بیت «ب» مجازی به چشم نمی آید اما در بیت «ج»، «زبان» مجاز از گفتار است و «سر» مجاز از هستی // «پای فرو رفتن به گِل» نمونه کنایه از درماندن است. // **«نقد خرد»** و **«ملک عشق»** اضافه تشبیهی است.
معنای بیت د: من خواهان لعل لب تو هستم، زیرا دوری از تو مانند تاریکی و ظلمات است و لبان تو همچون چشمه آب زندگی. گرفتار ظلمات اگر طالب چشمه زندگانی نباشد پس چه کند؟ (چگونه می تواند این کار را نکند؟)

۹ ۱ **باید به معنای بیت توجه کرد:** روی تو به درخشندگی آفتاب است و اگر در میان شب، نقاب از چهره برداری، ماه و پروین از خجالت چهره خود را می پوشانند **۵۵** - روی تو از ماه و پروین درخشان تر است (تشبیه برتر) // «رخ پوشیدن» کنایه است // به ماه و پروین شخصیت انسانی بخشیده شده است پس تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱۰ ۲ **بیت الف: دور از یار:** ۱. در فراق یار ۲. از یارم دور باد (این که دلش کباب شود از او دور باد).
بیت ب: شاعر «سرو» را شفیع گناهان خود می گیرد **۵۵** - «سرو» آدم انگاشته شده است. همچنین **«لب جویبار»** اضافه استعاری است و تشخیص نیز دارد.

بیت ج: شاعر برای این موضوع که اذان گویان هنگام اذان گفتن دست بر گوش خود می گذارند، علّی شاعرانه ارائه کرده است.
بیت د: عشق به آتش تشبیه شده است و عاشق به دیگ.
بیت ه: شاعر در بسیاری اشک چشمانش و پایداری یاد معشوق در خاطرش، اغراق نموده است.

پاسخ تشریحی آزمون دوره ای و ترکیبی ۲۰

۱ ۳ این تست را قبلاً در درس تشبیه با هم حل کرده بودیم!

۲ ۲ «مکر - چهل» هم وزن هستند اما در حرف آخر مشترک نیستند. «افسون - جنون» در حرف آخر (و بیشتر) مشترک هستند اما هم وزن نیستند **۵۵** - سجع متوازی وجود ندارد.
ملک به معنی «پادشاهی» با یک تلفظ و معنا تکرار شده است. "ملک و دولت نادان سلاح جنگ خداست": افتادن پادشاهی و ثروت نه دست فرد نادان، سلاح است برای مقابله با خواسته های خدا

۳ ۳ پروانه در کنار شمع ایهام تناسب دارد نه ایهام فقط در معنای اجازه قابل قبول است.

گزینه ۱: «مدام»: ۱ - شراب ۲ - همیشه

گزینه ۲: «مردم دار»: ۱ - دارنده مردم ۲ - مردم نواز

گزینه ۴: «از نو»: ۱ - دوباره ۲ - از شعر نو

۴ ۱ گزینه الف: علت درست کردن تابوت از چوب سرو را در حسرت یاری سرو بالا مردن، میدانند.

گزینه ب: اسلوب دارد؛ زیرا مصراع دوم مصداق مصراع نخست است و از نظر دستوری جمله ای مستقل.

و در گزینه ج: «فلک» با «ادب کن» ایهام تناسب دارد (یادآوری «چوب و فلک» و «شاه» و «رخ» نیز ایهام تناسب دارند (یادآور «مهره های شطرنج»)).

و در گزینه د: یوسف استعاره مصرّحه از عشق یا دل است.



بیت ۵: ۲ «بو» و «هوا» ایهام دارند. «بوی - کوی» جناس دارند. «مرغ دل» اضافه تشبیهی است و دل به پروانه نیز مانند شده‌است.

بیت ۲: «شور» ایهام تناسب دارد و علاوه بر معنای «اشتیاق و وجد»، در کنار «شیرین» معنای «نمکین» هم از آن به ذهن خطور می‌کند // «سر - گر - بر» جناس دارند // شاعر خود را در گداختن و ذوب شدن به «شمع» مانند کرده‌است.

بیت ۳: «ما - شما» و «ناز - نیاز» جناس دارند.

بیت ۴: «سیل - خیل» جناس دارند. شاعر خود را به «ابر بهار» مانند کرده‌است.

۶ ۳

گزینۀ ۱: «بادیۀ عشق» اضافه تشبیهی است. «این راه» استعاره از عشق است.

گزینۀ ۲: در واژه‌های «شاه‌وش»، «ماه‌رخ» و «زهره‌جبین» سه تشبیه (درون‌واژه‌ای) دیده می‌شود. «دُر یکتا» و «گوهر یکدانه» را می‌توان استعاره از معشوق یگانه دانست.

گزینۀ ۳: طبع به طوطی مانند شده. طوطی طبع به بلبل مانند شده ~~۵۵~~ ۲ تشبیه «شکر» و «بادام» استعاره‌های آشنایی برای شما هستند.

گزینۀ ۴: باد و غنچه تشخیص دارند. تشبیهی در کار نیست.

۷ ۲

روشن است که طراح تشخیص جناس تام در واژه «آهو» برایش مهم بوده است.

«آهو» در پایان بیت حتماً معنای عیب می‌دهد. «آهو» ی دوم را می‌توان به دو شکل معنا کرد: ۱- غزال و آهو ۲- بیماری (یعنی بیماری و خماری چشم تو، شیران را هم اسیر خود می‌کند).

«آهوچشم» تشبیه درون‌واژه‌ای دارد. «شیرگیر بودن» کنایه از قدرت بسیار است. «آهو» ی سوم، استعاره از چشمان یار است.

۸ ۴ در گزینۀ یک «برفتند و گرفتند» و در گزینۀ دو «خورده و کرده» و در گزینۀ سه افعال «رسانید و در گذرانید» واژگان سجع هستند. در گزینۀ چهارم چون «بیکران و عمان» در پایان دو جمله نیامده‌اند، سجع به شمار نمی‌آیند.

۹ ۴ گزینۀ یک اصلاً تشبیه نداریم. در گزینۀ دو فقط سودا (عشق و شیدایی) به مرکب مانند شده.

در گزینۀ سه فنا به محیط و دهان به نقطه تشبیه شده‌اند.

در گزینۀ چهارم تشبیه داریم: عشق به دُر دانه، من به غواص و میکده به دریا

۱۰ ۲ روز و شب تضاد و تشبیه روز به شب در گزینۀ دو مشهود است.

در گزینۀ یک حسن تعلیل نداریم و یوسف صدیق مجاز به عالقه شباهت است.

در گزینۀ سه، تشبیه دیده می‌شود اما اسلوب به چشم نمی‌خورد.

در گزینۀ چهارم تلمیح داریم اما ایهام خیر.